

عازم آرمیر شد و مدتی در آنجا اقامت نموده سرودن شعر پرداخت ولی چون نفاش نداشت و روزگارش بسیار سخت بود عازم کومه (۱) گردید و در یکی از شهر های کومه مقابل دکان ناجر پوست هرومی ایستاده اندازی چند در بد بختی یک نفر غریبی که بیچاره و گرسنه و قابل ترحم و شفقت بوده باشد انشاء کرد. این چند بیت اولین اشعاری بود که از همر شنیده شد و عطوفت تاجر را جلب کرده همر را در دکان خویش چای داه

همر چند سرود دینی و چند شعر رزمی سرود و مردم بدیده نحسین و اعجاب بروی نگریسته و همر در آنجا اقامت اختیار کرد. هر دو تن میگویند: هنوز اهالی این شهر محلی را گمه همر برای انشاد شعر انتخاب کرده بود محترم میدانند و درخت کاجی در آنجا است که مردم کمان می کنند روز ورود همر غرس شده است.

همر چند سالی در این شهر توقف نمود ولی همیشه سخت گردید و بمرگز کومه که نزدیک و نمایندگان مردم در آنجا اجتماع نموده بودند برفت و تقاضا کرد که چنانچه معاش وی را تأمین نماید باشد مظهر مدتی و مزایای اجتماعی آنها را برشته نظم خواهد کشید. معاصر این تقاضا را پذیرفته ولی گفتند که بهد این قضیه در شورای بزرگان طرح شود. روزی که شورا تشکیل شد همر

یکی از مستعمرات یونان است *Ames* (۱)

سرت پدیرفت و به (ساموس) عزیزت نموده فصل زمستان را در آنجا گذراند و در منازل اهنیا بسروتن شعرهاش را میسرود زمستان که گذشت عازم آن شد و با جماعتی از اهالی [ساموس] سوار کشتی گردید تا بجزیره (بوس) رسیده کشتی نزدیک جزیره توقف کرد و همراهان کهنای دردی سخت عارض شد بساحل فرود آمد و چون دریا طوفانی بود کشتی هم نتوانست حرکت کند. اهالی جزیره که او را شناختند فرصت را غنیمت شمردند بزیارتش شتافتند و هر چند که هر مریض بود ولی طبیعت فیاض و کریم او دقیق فلسفی و معلومات پر قیمتی را که در طول حیاتش فرا گرفته بود افلاحه می کرد و تشنگان زلال معرفت را از منهن دانش و دینش خود سیراب می نمود. اما چندان طول نکشید که شدت مرض او را از پادرو انداخت و آخرین لحظات عمرش فرا رسیده چشم بر هم گذارد رفقایش که در کشتی بودند بتفاق اهالی جزیره وی را دفن نمودند و این شعر را روی قبرش نقش کردند

«این سیزده پیش سر مقدس هم شاعر است که مثل خدایان بود»

« - خدایانی که بمدح سلاطین و پهلوانان مثنیاء باشند - »

مورخین در تعیین زمان ظهور هم اقوال مختلفی دارند که روی هم رفته بین قرن دوازدهم و قرن هشتم قبل از میلاد مسیح است و شاید معتبرترین آنها هر دو ت بوده باشد که ظهور هم را بچهار صد سال قبل از زمان خود نسبت می دهد بنا بر این قول باید هر دو

آخر قرن دهم با ابتدای قرن نهم قبل از مسیح ظهور کرده باشد زیرا هر دو در اوایل قرن پنجم قبل از مسیح میزیسته است

آثار همر

این دانشمند بلند مرتبت منظومات بسیاری دارد که بدون تردید قسمت مهمی از آنها مفقود گردیده و از زمان همر تا کنون محققین همواره در میان بقایای آثار متقدمین مشغول کنجکاوی و جستجوی آن آثار مفقوده اند در نتیجه آن جستجو و تحقیق بود که چندی قبل در جزء آثار معصری قطعاتی از همر یافتند که روی با پیروس نوشته شده و سابقا بهیچ وجه در دیوان او موجود نبود. ایلیاد با اتفاق تمام محققین شاهکار است که مانند در شاهوار در میان کالی آثار وی می درخشد و ما خلاصه آن را شرح خواهیم داد بعد از آن ادیسه است که اینتشی چند هزار بیت از ایلیاد کمتر میباشد

ادیسه عبارت است از داستانی که تصور می رود همر آنرا در سن پیری منظوم ساخته و موضوعش مسافرت ادیس با او ایس [۱] است که بعد از ختم جنگ تروا به مملکت خودش مراجعت می کند و تمام وقایع این داستان روی هم رفته در مدت چهل روز بعمل آمده و از حیث تنوع بیحد و شامل بودن یکدسته از وقایع دلچسب کمتر از ایلیاد نیست. منظومه ادیسه مانند ایلیاد از بیست و چهار سرود ترکیب یافته و بی از لحاظ وقایع بچهار قسمت تقسیم

میشود و از حیث سبک و اسلوب با اینها خیلی شباهت دارد
 بعضی داستانهای منظوم دیگر را نیز بوی نسبت میدهند
 که از آن جمله داستان «جنک قریظه ها و موش ها»
 است ولی قوت این اشعار باندازه ایلخا و ادیسه نیست .
 از جمله قطعاتی که باز بوی نسبت داده شده سی
 و سه مزمور است که در آنها بعد از ارباب انواع پرداخته و قسمتی
 از سرگذشت های سلاطین و پهلوانان عالم بالا را شرح داده است
 در قرن هیجدهم يك دسته از محققین ائمه اینها را ادیسه را از
 طرف همراگان نموده و گفتند این دو منظومه قصائد مغربه ای
 هستند که شعراء متعددی آنها را ائمه ایشاد کرده و بعد از آن ها
 کسانی که بعدها آمد و جمع و تنظیم اشعار شوق و رغبت
 داشتند لذا آن قصائد را جمع آوری نموده و مرتب
 ساخته اند . نتیجه بحث و تحقیق آنها این بود که هم
 شخص موهوم و مولود تخیلات شعر است

مگرین شعر در اواخر قرن شانزدهم پیش عقاید و
 استاد خود شروع نمودند و در مقدمه آنها کازوبون (۱)
 فرانسوی بود که ادعای او مورد توجه واقع نگردید و
 چون خودش از میان رفت عقیده اش رسوخ پیدا نکرد و
 فراموش گردید اما اندکی نگذشت که هدان (۲) کشیش
 اویانک (۳) باز این نامه را سرود و در انکار هم پیش

(۱) Jusaubon. ۱۵۵۶-۱۶۱۵

(۲) hédelin. ۱۶۰۴-۱۶۷۲

(۳) aubignac.

از منکر سابق یا فشاری کرد و مورخین را سر کرم بحث تازه ای نمود و بعضی از مورخین هم از قبیل وود (۱) و بستلی (۲) انگلیسی و سپس ویکو [۳] ایتالیائی با وی موافقت کردند ولی نتوانستند ارکان عظمت هم را متزلزل نمایند. در اواخر قرن هیجدهم یک نفر محقق آلمانی پنجه در پنجه قهرمان شعر و شاعری انداخت و کتاب خود را که جمله به هم و مقدمین هم بود انتشار داد و بدت این پهلوان را بخاک رسانید.

این مبارز تازه و قوی بازو اسمش اکوست ولف (۴) بود و ادعای کرد که هم ابداً وجود نداشته و منظوماتی که بوی نسبت می دهند یک سلسله قصاید هستند که در قرن ششم قبل از مسیح جمع آوری شده اند و چون ولف در این میدان جدال بیش از دیگران زور آزمائی و نبرد کرده است در اصطلاح ادبیات فرنگی عظیمه انکار کنندگان هم را «عقیده ولف» می گویند هم حق داشت که شو قرن شانزدهم مغلوب شود. زیرا این قرن بریشه بسیاری از معتقدات تیشه زد و یک دسته بزرگ اوهای که در قلوب مردم محکم و استوار بودند از پا در افتادند. در مقابل تأثیرات عظیم این قرن نه اصول دیانت و نه مبنای

(۱) wood. ۱۶۲۳-۱۶۹۵

(۲) bent ey. ۱۶۶۹ ۱۷۴۲

(۳) vico

(۴) walf. ۱۷۵۷-۱۸۲۴